



Journal Website

Article history:

Received 22 December 2024

Accepted 13 March 2024

Published online 29 May 2024

Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders

Volume 3, Issue 1, pp 139-159



E-ISSN: 2981-1759

Providing a Model for Predicting Children's Differentiation Based on Communication Patterns and Personality Structure with the Mediation of Dysfunctional Attitudes in Parents Attending Counseling Centers in Tehran

Afsar Abagheri Meyari¹, Farideh Dokaneifard^{2*}, Masoumeh Behboodi³

¹ PhD student, Department of Counseling, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Rudehen, Iran.

¹ Associate Professor, Department of Counseling, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Rudehen, Iran (Corresponding Author).

² Assistant Professor, Department of Counseling, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Rudehen, Iran.

* Corresponding author email address: f.dokaneifard@riau.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Abagheri Meyari, A., Dokaneifard, F., & Behboodi, M. (2024). Providing a Model for Predicting Children's Differentiation Based on Communication Patterns and Personality Structure with the Mediation of Dysfunctional Attitudes in Parents Attending Counseling Centers in Tehran. *Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 3(1), 139-159.



© 2024 the authors. Published by Maher Talent and Intelligence Testing Institute, Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

ABSTRACT

Background and Objective: Most spouses in marital life use different communication patterns in interactions with family members, depending on their personality structure. The presence of dysfunctional communication patterns and underdeveloped personalities can cause destructive effects in relationships and lead to a lack of differentiation in children. This study aims to provide a model for predicting children's differentiation based on communication patterns and personality structure with the mediation of dysfunctional attitudes in parents attending counseling centers in Tehran.

Methods and Materials: Considering the indices and objectives of the research, the study was descriptive and correlational. The statistical population of this research included all parents attending counseling centers in Tehran during 2021-2022. In this research, the sampling method was multi-stage random sampling, and the sample size was determined to be 350 people based on the Sample Power software. Data collection was carried out using the Differentiation Inventory by Skowron and Friedlander (1998), the Couples' Communication Patterns Questionnaire by Christensen and Sullaway (1991), the NEO Personality Inventory by McCrae and Costa (1985), and the Dysfunctional Attitudes Scale by Weissman and Beck (1978) on the selected sample. Data analysis was performed using SPSS and SmartPLS structural equation modeling.

Findings: The findings of this study indicated that the proposed model for predicting children's differentiation based on communication patterns and personality structure with the mediation of dysfunctional attitudes in parents attending counseling centers in Tehran had a good fit. Examination of the results based on the direct path showed a significant relationship between the components of communication patterns, personality structure, and dysfunctional attitudes with children's differentiation. The results of the indirect path also showed a significant relationship between the components of communication patterns, personality structure, with the partial mediation role of dysfunctional attitudes and children's differentiation.

Conclusion: The findings suggest that understanding the communication patterns and personality structure of each parent based on the mutual understanding of children's needs can predict the level of children's differentiation based on dysfunctional attitudes within the context of family relationships and interpersonal interactions.

Keywords: Differentiation, Communication Patterns, Personality Structure, Dysfunctional Attitudes



ارائه مدلی برای پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان براساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران

افسر اباقری معیاری^۱، فریده دوکانه ای فرد^{۲*}، معصومه بهبودی^۳

۱. دانشجو دکتری، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. دانشیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: f.dokaneifard@riau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

اباقری معیاری، افسر، دوکانه ای فرد، فریده، و بهبودی، معصومه. (۱۴۰۳). ارائه مدلی برای پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان براساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران. *پویایی‌های روانشناختی در اختلال‌های خلقی*. ۱۳۹-۱۵۹، (۱)، ۳.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

زمینه و هدف: اکثر همسران در زندگی زناشویی با توجه به نوع ساختار شخصیتی که دارا می‌باشند از الگوهای ارتباطی مختلفی در تعامل با اعضا خانواده استفاده می‌کنند، وجود الگوهای ارتباطی ناکارآمد و عدم شخصیت رشد یافته موجب تأثیرات مخرب در روابط و عدم تمایزیافتگی در فرزندان را ایجاد نماید. این پژوهش با هدف ارائه مدلی برای پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان براساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجی گری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شده است. مواد و روش: با توجه به شاخص‌ها و اهداف تحقیق، پژوهش انجام شده توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود. در این پژوهش روش نمونه گیری بصورت تصادفی چند مرحله‌ای و حجم نمونه آماری بر اساس نرم افزار sample power (۳۵۰ نفر) در نظر گرفته شد. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از سیاهه تمایزیافتگی اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین کریستنسن و سولاوای (۱۹۹۱)، سیاهه ساختار شخصیت نئو مک کری و کاستا (۱۹۸۵) و مقیاس نگرش‌های ناکارآمد وایزمن و بک (۱۹۷۸) بر روی نمونه مورد نظر اجرا شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و معادلات ساختاری smartpls انجام شد. یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان داد که: مدل ارائه شده بمنظور پیش بینی تمایزیافتگی فرزندان براساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجی گری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران از برازش مطلوبی برخوردار بود، بررسی نتایج یافته‌ها براساس مسیر مستقیم نشان داد که بین مولفه‌های الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد با تمایزیافتگی فرزندان رابطه معنادار وجود داشت. همچنین نتایج مسیر غیرمستقیم نیز نشان داد که بین مولفه‌های الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت با نقش میانجی گری جزئی نگرش‌های ناکارآمد با تمایزیافتگی فرزندان رابطه معناداری وجود داشت. نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که شناخت الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت هر کدام از والدین بر مبنای درک متقابل نیازهای فرزندان می‌تواند پیش‌بینی کننده میزان تمایزیافتگی فرزندان براساس نگرش‌های ناکارآمد در بافت روابط خانوادگی و تعاملات بین فردی باشد.

کلیدواژه‌گان: تمایزیافتگی، الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت، نگرش‌های ناکارآمد.



مقدمه

با توجه به این امر که روابط زناشویی یکی از صمیمی‌ترین روابط بین‌فردی و یکی از مهم‌ترین ارتباط‌های انسانی است و از آن‌جایی که نهاد خانواده، اولین نهاد اجتماعی است که در رشد، تحول و شکل‌گیری شخصیت اعضاء خانواده نقش بسزایی ایفا می‌سازد (Navabinejad et al., 2024). الگوهای ارتباطی در روابط زناشویی پدیده چندبعدی و ابعاد گوناگون ارتباط مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد در روابط را ایجاد می‌سازد (Janbozorgi et al., 2020). الگوهای ارتباطی سالم و سازنده موجب روابط رضایت‌بخش در تعاملات همسران با یکدیگر از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم قابل‌سنجش است و بر سلامت خانواده (Janbozorgi et al., 2020) از طرفی بر تمایز یافتگی فرزندان و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت و رشد ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی اعضای خانواده تأثیر گزار است (Parsakia et al., 2023). یکی از دیگر عوامل موثر در الگوهای ارتباطی کارآمد میان همسران وجود شناخت ساختار شخصیتی یکدیگر می‌باشد. ساختار شخصیت هر یک از همسران، از جمله (میزان روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی یا درون‌گرایی هر یک از زوجین، گشودگی، همسازی و وظیفه‌شناسی)، فراگیرترین عامل روان‌شناختی است که بر تمام کارکردهای و تعاملات اعضاء خانواده با یکدیگر تأثیرگذار می‌باشد (Watson & Clark, 2020). الگوهای برقراری ارتباط، یک توان ذاتی و جزئی از ساختار شخصیتی افراد محسوب می‌شود؛ بگونه‌ای که، بخش بسیاری از الگوهای برقراری ارتباط به توانایی ذاتی افراد بر مبنای ساختار شخصیتی که دارا می‌باشند، مربوط است. الگوهای برقراری ارتباط در رابطه، برآیند ارتباطات مکرر و مستمر افراد با یکدیگر است. الگوهای برقراری ارتباط در تعاملات افراد با یکدیگر می‌تواند از خیلی صمیمانه تا خیلی خصمانه برقرار گردد. الگوهای برقراری ارتباط هر چه سالم و سازنده باشد، موجب می‌گردد تا افراد در برقراری ارتباط با یکدیگر برخورد نمایند و از طرفی در رفع تأمین نیازهای یکدیگر تلاش نمایند تا موجبات احساس رضایت و خرسندی را در رابطه فراهم کنند. وجود الگوهای برقراری ارتباط ناکارآمد و ناسالم موجب می‌گردد تا عدم رابطه صمیمانه همراه با عدم درک احساسات، افکار و ارزش‌های طرف مقابل و احترام به خواسته‌های دیگری شکل گیرد. عدم شناخت نیازهای اساسی و عدم برآورده شدن آن‌ها بر اساس برقراری الگوهای ارتباطی ناکارآمد و سالم، باعث عدم صمیمیت در روابط اعضاء و تعامل با یکدیگر در روابط بین فردی در درون خانواده را ایجاد سازد (Falconier, 2015). بر این اساس الگوهای برقراری ارتباط سالم و سازنده، تشابه‌نگرش و چگونگی تعامل و توانایی حل مسائل و مشکلات (Mam Salehi et al., 2020; Sharifi et al., 2020) را فراهم می‌سازد. بر اساس دیدگاه کریستنسن و سالوی (۱۹۹۱) الگوهای برقراری ارتباط به گونه‌ای می‌باشد که هر یک از همسران آنچه را که از خانواده اولیه آموخته‌اند را وارد زندگی زناشویی خود می‌کنند. الگوهای برقراری ارتباط آموخته شده از خانواده مبدا خویش در روابط خود با همسر تکرار می‌گردد و این الگوها به فرزندان نیز به صورت ناخواسته انتقال و آموخته می‌شود. بر این اساس این توافق وجود دارد که بعضی الگوهای ارتباطی، مذاکره فعال و سازنده‌ای از تفاوت‌ها را منعکس می‌سازد، در حالی که دیگر الگوها تمایل به اجتناب یا استفاده از راهکارهای دیگری که کمتر برای ارتباط مفید هستند را منعکس می‌سازد. حداقل سه الگوی ارتباطی مهم تعیین شده است: الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتنابی متقابل، توقع/کناره‌گیری می‌باشد. الگوهای ارتباطی همسران با شناسایی عواملی که مرتبط با تمایز یافتگی در فرزندان می‌باشد تأثیرگذار است (Lee et al., 2001; Olderbak & Figueredo, 2009; Pop & Rusu, 2019). زیرا عدم الگوهای ارتباطی سالم و سازنده باعث بروز نوعی نابهنجاری در نظام خانواده می‌شود که اگر چه به فاصله عاطفی در تعاملات همسران نشود، ولی موجب می‌گردد تا زندگی آن‌ها فاقد عشق، مصاحبت و دوستی شود. بر این اساس همسران به جای حمایت از یکدیگر در جهت آزار، ناکامی و تنزل حرمت خود نسبت به یکدیگر و از طرفی به دنبال یافتن دلیلی برای مقصر ساختن دیگری برآیند (Aryaee Azar et al., 2021; Mousazadeh & Haji Alizadeh, 2017; Pop & Rusu, 2019; Sharifi et al., 2020). بر همین مبنا خانواده از مهم‌ترین نهاد در جامعه می‌باشد که ورود هر عامل تنش‌زایی بر کارکردهای



آن تاثیرگذار می‌باشد (Marchal et al., 2016) در میان عوامل فردی یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت هر کدام از همسران می‌باشد (Yu et al., 2020). بر اساس نظر روانشناسان ساختار شخصیت هر زوج نسبت به عوامل آسیب رسان و تنش زا متفاوت است، بر همین اساس روابط زوجی ناکارآمد و پر هرج و مرج در زوجین دارای اختلال شخصیت، باعث ایجاد مشکلاتی در روابط می‌شود (Safaei Rad et al., 2019). سیپوکین (۲۰۲۱) معتقد است که ویژگی‌های شخصیت از جمله عواملی است که بر میزان رضایتمندی از روابط زناشویی همسران اثر گذار می‌باشد. از آنجایی که ساختار شخصیت عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس زا مرتبط است، طبیعی است که برخی از ویژگی‌های شخصیت از ویژگی‌های دیگر در روابط انعطاف پذیرتر است (Cepukiene, 2021). افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی انعطاف ناپذیر می‌باشند و همچنین کسانی که نمی‌توانند پاسخ‌های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت‌های زندگی بوده و بدترین واکنش‌ها را به زندگی نشان می‌دهند (Jonason & Sherman, 2020). آیزنک (۱۹۹۰)، معتقد است که شخصیت انسان علاوه بر تأثیر مستقیم بر رضایتمندی از روابط زناشویی، از طریق واکنش‌های احساسی نسبت به وقایع زندگی می‌تواند تاثیرگذار باشد. احساس رضایتمندی در یک رابطه زناشویی مستلزم آگاهی از عواملی است که بر اساس آن بتواند سلامت روابط را تضمین کند (Damiano et al., 2015; Drummond, 1990). نتایج پژوهش (Yu et al., 2020) نشان داد که عوامل درون فردی (ساختار شخصیت، سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شناختی مثبت، ویژگی‌ها و اشتراکات معنوی-مذهبی)، بین فردی (مهارت‌های ارتباطی و رابطه سازنده، عشق، عاطفه، همچنین ارتباط و رابطه جنسی) و محیطی (حمایت اجتماعی، اشتغال و وضعیت اقتصادی مناسب) می‌توانند سلامت رابطه و میزان تمایز یافتگی (Lee & Ashton, 2020; Lee et al., 2001) را تحت تاثیر قرار دهند. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین الگوهای برقراری افراد و ویژگی‌های شخصیت آنان با رضایت از رابطه ارتباط معنادار وجود دارد و یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های تمایز یافتگی افراد، ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد افراد می‌باشد (Watson & Clark, 2020). از طرفی اغلب مشکلات بین فردی که افراد تجربه می‌کنند تحت تاثیر شیوه نگرش آن‌ها در روابط خود با دیگری می‌باشد. نگرش ناکارآمد در واقع جزئی از باورهای واسطه‌ای ناکارآمد است که در کنار افکار خود کار در نظام شناختی فرد بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. این اعتقادات واسطه‌ای ناکارآمد، با نظرات منفی پیش بین همراه است (اولدریک و فیگورد، ۲۰۱۷). نگرش‌های ناکارآمد، نگرش‌ها و باورهایی هستند که فرد را مستعد افسردگی و یا به طور کلی آشفتگی روانی می‌کند. این باورها که در اثر تجربه نسبت به خود و جهان کسب می‌شوند، فرد را آماده می‌سازند تا موقعیت‌های خاص را بیش از حد منفی و ناکارآمد تعبیر کنند. از نظر بک نگرش‌های ناکارآمد معیارهایی انعطاف ناپذیر و کمال‌گرایانه هستند که فرد از آن برای قضاوت درباره‌ی خود و دیگران استفاده می‌کند. از آنجاکه این نگرش‌ها انعطاف ناپذیر، افراطی و مقاوم در مقابل تغییراند، ناکارآمد قلمداد می‌شوند (Momeni et al., 2015). به این ترتیب، چون نارسایی عملکرد تفکر از مهم‌ترین علل آشفتگی‌هاست، هرچه نگرش‌های ناکارآمد و باورهای غیرمنطقی افراد بیشتر سود آشفتگی‌های هیجانی نیز بیشتر خواهد شد (Mousazadeh & Haji Alizadeh, 2017).

با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان بیان داشت نحوه نگرش افراد نسبت به قضایا، مسائل، مشکلات و حوادثی که با آن روبرو می‌شوند، سلامت جسم و روان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر همین اساس نوع دیدگاه و جهت‌گیری که در زندگی خود اتخاذ می‌کنند، باعث کاهش و یا افزایش افسردگی، اضطراب و استرس در خود و فرزندان‌شان را ایجاد می‌سازند که این عامل بر میزان تمایز یافتگی فرزندان نقش بسزایی افا می‌کند. از طرفی زوجینی که بر اساس نگرش‌های ناکارآمد نمی‌توانند الگوهای ارتباطی سالم و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند و از طرفی چنین افرادی نیازشان به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر، برآورد نخواهد شد، زیرا که خانواده‌های اصلی آن‌ها معمولاً بی ثبات، بد رفتار تندخو، سرد و بی عاطفه طرد کنند بوده‌اند و موجب شکل‌گیری عدم تمایز یافتگی در این افراد می‌شوند. بر طبق مطالعات انجام شده بسیاری از فرزندان، دوران کودکی تکان دهنده‌ای داشته‌اند و در بزرگسالی تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب زده از یک



رابطه خود آسیب رسان به رابطه ی دیگری پناه برند یا از برقراری روابط بین فردی نزدیک اجتناب کنند (Aryaee Azar et al., 2021; Buser). بر همین اساس این افراد در روابط زناشویی خود دچار مشکل شده و قادر نمی‌باشند در تعامل با دیگر فرزند از جمله شریک زندگی خود دیگری را درک کند و به احساسات و هیجانات طرف مقابل خود احترام بگذارد و این خصوصیت رفتاری موجب می‌شود که روابط از لحاظ عاطفی مختل شود. به همین دلیل نگرش‌های ناکارآمدقاربه تاثیرگذاری بر روابط والدین بافرزندان می‌باشند (Mitchell et al., 2013). پژوهش‌های مختلف نشان داده است که از طریق بررسی نگرش‌های ناکارآمد و الگوهای برقراری ارتباط و نوع ساختار شخصیت در محیط خانوادگی اولیه می‌توان عملکرد افراد را در ایجاد تمایز یافتگی ایجاد ساخت (Aryaee Azar et al., 2021; Mam Salehi et al., 2020; Rashidi et al., 2016; Sharifi et al., 2020). بر همین اساس ساختار شخصیت هر یک از زوجین می‌توانند تبیین گر بسیاری از ویژگی‌های روان شناختی از جمله؛ تمایز یافتگی خود، انعطاف پذیری شناختی و صمیمیت در برقراری ارتباط بین افراد با دیگران باشد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که همسران در جوامع امروزی برای برقراری و مدیریت هیجانات خود در روابط با همسرانشان با مشکلات فراگیر و متعددی مواجه هستند که وجود این گونه تعاملات در بروز عدم تمایز یافتگی فرزندان نقش بسزایی ایفا می‌کند (Lampis et al., 2017). به لحاظ نظری خود متمایز سازی پایین به مشکلاتی از جمله نارضایتی در تعاملات و الگوهای ارتباطی ناسالم، مثلث سازی، درماندگی جسمانی و روانی، واکنش پذیری هیجانی، اضطراب مزمن و انتخاب همسر با سطح خود متمایز سازی مشابه منجر می‌شود (Falehkar et al., 2020). سطح خود متمایز سازی باتوانایی فرد برای کاهش اضطراب در برقراری رابطه ناسالم رامشخص می‌سازد (Sloan et al., 2017). بوئن (۱۹۸۷) معتقد است تعارض زناشویی از ضعف در تمایز یافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت یابی است و تعهد زناشویی مستلزم احساس قوی در هویت یابی و تمایز یافتگی خود است. بنابراین افرادی که تمایز یافتگی آن‌ها در سطح پایین قرار دارد، در برابر رفتار دیگران واکنش عاطفی نشان می‌دهند، بخش عمده انرژی شان را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطف شان می‌کنند، زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند در حالی که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این گونه افراد از هویت محکم برخوردارند افراد تمایز نیافته روی هم رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند (Bowen, 2007; Bowen, 1993)؛ افراد تمایز نیافته از نظر عاطفی به دیگران وابسته‌اند، به دشواری می‌توانند برای خودشان فکر احساس و عمل کنند؛ که همگی این ویژگی‌های فردی مربوط به افراد تمایز نیافته می‌تواند در فروپاشی زندگی نقش داشته باشند (Buser et al., 2019). در این راستا نتایج مطالعات مختلف (Aryaee Azar et al., 2021; Kim & Jung, 2015) نشان دادند تمایز یافتگی با ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد رابطه معناداری دارد. به طور کلی انتظار می‌رود افرادی که سطح تمایز یافتگی پایینی برخوردارند در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن را داشته باشند (Khosravi et al., 2021; Sharifi et al., 2020). در واقع تمایز یافتگی، در سایه استقلال روانی و بلوغ عاطفی شکل می‌گیرد، امری دایمی و پویاست، به این معنا که افراد دائماً در تلاش برای حفظ تمامیت روانی خویش هستند. در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی افراد بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز بیشتر می‌شود و بروز واکنش‌های هیجانی نیز کاهش می‌یابد (Buser et al., 2019). خود تمایز یافتگی، همانطور که توسط بوئن (۱۹۷۸) تعریف شده، ساختار گسترده‌ای است که جنبه‌هایی از عملکرد بین فردی و درون فردی را در بر می‌گیرد. فرد کاملاً متمایز، استقلال و ارتباط رادروابط می‌آمیزد، کنترل واکنش‌های عاطفی را نشان می‌دهد و احساس پایداری از خود را حفظ می‌کند (Aryaee Azar et al., 2021; Buser et al., 2019; Cepukiene, 2021). افراد تمایز یافته برای تجربه عواطف عمیق احساس آزادی می‌کنند و دارای قابلیت نظم بخشی به هیجانات بوده، به طور آزادانه به آن‌ها دسترسی دارند؛ آن‌ها قادرند افکار شخصی خود را شناسایی نموده و ابراز کنند (Mam Salehi et al., 2020; Momeni et al., 2015). افرادی که به کاملترین سطح تمایز از خود می‌رسند به عنوان افرادی مشخص می‌شوند که مرزبندی‌های خود



تعریف شده‌ای دارند در حالی که اشخاص تمایز نیافته از نظریه‌جانی مشکلات روان شناختی را تجربه می‌کنند (Khosravi et al., 2021). افراد به دلیل مسائلی که در زندگی زناشویی برایشان اتفاق می‌افتد و با توجه به نحوه نگرش آن‌ها نسبت به قضایا، مسائل، مشکلات و حوادثی که با آن روبرو می‌شوند، سلامت جسم و روان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بر اساس نوع دیدگاه و جهت گیری که در زندگی خود اتخاذ می‌کنند (Pop & Rusu, 2019).

به طور کلی نوع ساختار شخصیت و نحوه برقراری ارتباط افراد با یکدیگر در شرایط و پیامدهای مختلف زندگی در بروز تمایز یافتگی افراد تأثیر مهمی را ایجاد می‌سازد. بدیهی است هرگونه نقض در مدیریت تنظیم هیجانات توسط افراد در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی خانوادگی و تعاملات آن‌ها با یکدیگر برجای می‌گذارد. با توجه به اهمیت نقش الگوهای برقراری ارتباط و ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد بر کارکرد خانواده و سلامت جامعه با نظر به این امر که میزان تمایز یافتگی بر اساس تعادل بین ابعاد شناختی و عاطفی در افراد شکل می‌گیرد حائز اهمیت است، خلأ این گونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد. بر همین مبنا پژوهش صورت گرفته باهدف ارائه مدلی برای پیش بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه-کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شده است، زیرا با مشخص شدن متغیرهای پیش بین تمایز یافتگی، می‌توان زمینه‌ای برای انجام پژوهش‌های مداخله‌ای فراهم ساخت تا بدین طریق بتوان پیشگیری و اقدامات لازم در زمینه افزایش سطح مهارت‌های برقراری الگوهای ارتباطی و اصلاح ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد ارائه نمود. بر همین اساس ضروری به نظر می‌رسد که بتوان توسط داده‌های تجربی و اطلاعات آماری در زمینه پیش بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد در والدین، به دست آورد. لذا بنا بر مطالب فوق و اهمیت موضوع در جامعه، پژوهش انجام شده قصد دارد به بررسی پاسخ مناسب در خصوص این سوال اساسی بپردازد که آیا مدل پیش بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجیگری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران از برازش مطلوبی برخوردار است؟

مواد و روش پژوهش

پژوهش انجام شده از لحاظ هدف بنیادی و از نظر روش جزء پژوهش‌های توصیفی - همبستگی از نوع اکتشافی-متوالی و هدایت شده بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۵۷۶ نفر بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای شهر تهران به پنج منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم گردید و از هر منطقه تعداد پنج مرکز مشاوره به صورت تصادفی ساده انتخاب و از هر مرکز مشاوره تعداد ۱۵ نفر از والدین به صورت غیر تصادفی، داوطلبانه و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند، به طور کلی از هر منطقه ۷۵ نفر از والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شدند، حجم نمونه پژوهش بر اساس نرم‌افزار آماری سمپل پاور (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۳۸۲ نفر در نظر گرفته شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل حداقل هفت سال زندگی مشترک، محدوده سن ازدواج بین ۳۰ تا ۴۵ سال به بالا، دارا بودن حداقل سواد کافی بمنظور پاسخدهی به پرسشنامه‌های مذکور، داشتن تعارضات و مشکلات زناشویی، عدم دریافت درمان‌های مختلف روان شناختی در زمینه بهبود تعارضات زناشویی، گذشت حداقل یکماه از درمان‌های مختلف روان شناختی، عدم سابقه عارضه بیماری اعصاب و روان، عدم سابقه بستری در بیمارستان‌های اعصاب و روان، معیارهای خروج داشتن بیماری جسمانی و روانی مشهود و حاد، سوء مصرف مواد بود.



سیاهه تمایزیافتگی (DSI): سیاهه تمایزیافتگی خود توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) تدوین شد. این سیاهه شامل ۴۵ گویه است که سوالات مربوط به افکار و احساسات افراد درباره خودشان و ارتباط آن‌ها با دیگران را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این سیاهه دارای ۴ خرده مقیاس (واکنش پذیری هیجانی، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران) را شامل می‌شود. نحوه نمره‌گذاری در این سیاهه براساس طیف شش درجه‌ای لیکرت از یک تا شش (ابدا در مورد من صحیح نیست، عدد ۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است، عدد ۶)، انجام می‌شود. تعداد سوالات مورد ارزیابی در خصوص هر کدام از زیر مقیاس‌های تمایزیافتگی شامل واکنش پذیری هیجانی (۱۱ سؤال) که بازتاب دهنده درجه‌ای است که فرد به محرک طبیعی با حساسیت بیش از حد یا با تغییر پذیری عاطفی پاسخ می‌دهد. جایگاه من (۱۱ سؤال) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است، مشخص می‌کند. گسلس عاطفی (۱۲ سؤال) نشان دهنده احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. ماده‌های مرتبط با این خرده مقیاس نشان دهنده ترس از روابط صمیمانه، رفتارهای دفاعی مانند عملکرد بیش از حد، فاصله‌گیری، یا انکار می‌باشد. هم آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال) که نشان‌دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران است، را دربر می‌گیرد. در سیاهه تمایزیافتگی حداکثر نمره برابر ۲۷۶ می‌باشد و نمرات بین ۴۶ تا ۱۱۵ نشان دهنده میزان تمایزیافتگی پایین، نمرات بین ۱۱۵ تا ۱۶۱ نشان دهنده میزان تمایزیافتگی متوسط و نمره بالاتر از ۱۶۱ بیانگر میزان تمایزیافتگی بالا است. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) با استفاده از روش آلفای کرونباخ اعتبار کلی تمایزیافتگی را ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۸۰ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش داشتند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش پلک و پوپکو (۲۰۰۴) ۰/۸۴ گزارش شد. نجف‌لویی (۱۳۸۵)، ضریب آلفای کرونباخ برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶ و نمره کل مقیاس ۰/۷۲ گزارش کرد. سلطانی (۱۳۷۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش داشت. ثنایی، هومن و علاقمند (۱۳۸۸) نیز روایی محتوایی این ابزار را مطلوب گزارش کردند. اسکیان (۱۳۸۴) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و همچنین روایی محتوایی سیاهه تمایزیافتگی را مطلوب گزارش کرد. در این پژوهش میزان اعتبار سیاهه تمایزیافتگی براساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌های به ترتیب واکنش پذیری هیجانی ۰/۸۵، جایگاه من ۰/۸۱، گسلس عاطفی ۰/۸۴ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۸۳ بدست آمد (Parsakia et al., 2023).

پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین (CPQ): پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین (۱۹۹۱) توسط کریستنسن و سالووی ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۵ سوال است که جواب هر سوال براساس طیف نه درجه‌ای لیکرت (از اصلاً امکان ندارد تا خیلی امکان دارد) نمره گذاری می‌شود. همچنین این پرسشنامه دارای ۳ زیر مقیاس (ارتباط توقع/کناره گیر، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط اجتناب متقابل) است. این پرسشنامه رفتارهای همسران را در طول سه مرحله از تعارضات زناشویی بررسی می‌کند که این مراحل عبارتند از: ۱- زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می‌شود این مرحله دارای ۴ سوال است، ۲- در مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود، این مرحله دارای ۱۸ سوال است و ۳- بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی که این قسمت از ۱۳ سوال تشکیل شده است که پاسخ هر سوال براساس طیف نه درجه‌ای لیکرت ارزیابی می‌شود. حداقل و حداکثر نمره در این پرسشنامه ۳۵ تا ۳۱۵ است. کریستنسن و سالووی (۱۹۹۱) روایی سه خرده مقیاس این پرسش نامه را مطلوب برآورد نمود. نتایج اعتبار این پرسشنامه توسط کریستنسن و هیوی (۱۹۹۰) و هیوی و همکاران (۱۹۹۳) براساس آلفای کرونباخ بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۵ گزارش کردند. نتایج اعتبار این پرسشنامه توسط بتمن و همکاران (۱۹۹۶) در خصوص سه زیر مقیاس بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ گزارش داشت. عبادت پور (۱۳۷۹) اعتبار پرسشنامه را براساس ضریب آلفای کرونباخ برای الگوی ارتباط سازنده متقابل ۰/۷۰، ارتباط اجتناب متقابل ۰/۷۱، ارتباط توقع / کناره گیر ۰/۶۶، زن متوقع / کناره گیر مرد ۰/۵۱ و مرد متوقع / زن کناره گیر ۰/۵۲ بدست آورد و به منظور روایی پرسش نامه، همبستگی میان این دو پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی همبستگی مطلوبی را گزارش داشت. در این پژوهش



میزان اعتبار پرسشنامه براساس آلفای کرونباخ $0/82$ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌ها به ترتیب ارتباط توقع/کناره گیر $0/84$ ، ارتباط سازنده متقابل $0/78$ و ارتباط اجتناب متقابل $0/83$ بدست آمد (Janbozorgi et al., 2020).

سیاهه ساختار شخصیت (NEO-FFI): سیاهه ساختار شخصیت فرم کوتاه نفو توسط مک کری و کاستا (۱۹۸۵) ساخته شده است. سیاهه ساختار شخصیت فرم کوتاه نفو دارای ۶۰ سوال می‌باشد که پنج جنبه از ساختار شخصیت را که شامل ویژگی‌های (روان نژندی یا نورزگرایی (N)، برون گرایی و درون گرایی (E)، تجربه پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید (O)، توافق پذیری یا همسازی (A) و وظیفه شناسی (C) می‌باشد را مشخص می‌سازد. در این سیاهه نمره گزاری براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از (کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰) انجام می‌شود. از این پرسشنامه نمره کلی به دست نمی‌آید، بلکه ۵ نمره در خصوص هر کدام از عوامل شخصیت به دست می‌آید که نمرات بدست آمده نشان دهنده یک عامل از ویژگی‌های ساختار شخصیت می‌باشد. اعتبار سیاهه ساختار شخصیت NEO-FFI توسط مک کری و کاستا (۱۹۸۳) بروی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین $0/83$ تا $0/75$ به دست آمد. همچنین ضریب اعتبار این سیاهه در خصوص هر کدام از زیر مقیاس‌های روان نژندی، برون گرایی و تجربه پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید، توافق پذیری یا همسازی و وظیفه شناسی بین $0/68$ تا $0/83$ گزارش شد. اعتبار سیاهه ساختار شخصیت توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) براساس ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی روان آزرده‌گی خویی، برون گرایی، باز بودن، سازگاری و با وجدانی به ترتیب $0/86$ ، $0/73$ ، $0/56$ ، $0/68$ و $0/87$ به دست آمد. کیامهر (۱۳۸۱) اعتبار این ابزار را براساس روش بازآزمایی بین $0/65$ و $0/86$ به دست آورد و همچنین روایی ابزار را براساس همسانی درونی با پرسشنامه سازگاری بین $0/54$ و $0/79$ گزارش کرد. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه ساختار شخصیت براساس آلفای کرونباخ $0/82$ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌ها به ترتیب روان نژندی $0/84$ ، برون گرایی $0/79$ ، تجربه پذیری $0/81$ ، توافق پذیری $0/85$ و وظیفه شناسی $0/83$ بدست آمد (Mosadegh et al., 2023).

مقیاس نگرش‌های ناکارآمد (DAS-26): مقیاس نگرش‌های ناکارآمد توسط وایزمن و بک (۱۹۷۸) تدوین و ساخته شده است. این مقیاس دارای ۲۶ سوال می‌باشد و به منظور شناسایی عقاید و نگرش‌های منفی که زیربنای آشفتگی‌های روانشناختی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس دارای ۴ خرده مقیاس (موفقیت - کامل طلبی، نیاز به تأیید دیگران، نیاز به راضی کردن دیگران، آسیب پذیری - ارزشیابی عملکرد) را ارزیابی می‌کند. نمره گزاری در این مقیاس براساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از (کامل مخالفم تا کاملاً موافقم) انجام می‌شود. در این مقیاس هر چه نمره مقیاس نگرش‌های ناکارآمد بالا باشد نشان دهنده میزان پای بندی و نگرش نامناسب فرد نسبت به محتوای هر سوال را مشخص می‌سازد. نمرات بالای (۶ و ۷) در هر سوال نشان دهنده نگرش‌های ناسالم در فرد می‌باشد. در این مقیاس سئوال‌ات مرتبط با ۴ خرده مقیاس موفقیت - کامل طلبی که شامل (۳-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۵-۱۷-۲۱-۲۳)، نیاز به تأیید دیگران (۱۸-۲۲-۲۴-۲۵)، نیاز به راضی کردن دیگران (۱-۲-۴-۱۴-۱۶)، آسیب پذیری - ارزشیابی عملکرد (۱۳-۱۹-۲۰-۲۶) می‌باشد. در این مقیاس، میانگین نمرات بدست آمده در خصوص افراد سالم بین ۱۱۹ تا ۱۲۸ می‌باشد، و نمره بالاتر نشان دهنده آسیب پذیری بیشتر و نگرش‌های ناکارآمد است. وایزمن و بک (۱۹۷۸) میزان اعتبار این ابزار را براساس آزمون آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد گزارش کرد. در پژوهش ابراهیمی و موسوی (۱۳۹۱)، میزان روایی ابزار براساس بررسی همسانی درونی بسیار مطلوب بدست آورد و همچنین اعتبار ابزار را براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با $0/92$ گزارش کرد، چیکوتا و استیلز (۲۰۰۴) اعتبار ابزار را براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با $0/85$ بیان داشتند، ویچ و همکاران (۲۰۰۳) اعتبار ابزار را براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با $0/86$ بدست آوردند. کاویانی و همکاران (۱۳۸۴) اعتبار ابزار را برابر با $0/75$ ، به دست آوردند، و میزان روایی ابزار را مطلوب گزارش کردند. در این پژوهش میزان اعتبار مقیاس نگرش‌های ناکارآمد براساس آلفای کرونباخ $0/82$ بدست آمد (Sarkhabi Abdolmaleki et al., 2022).



برای دستیابی به نمونه‌های پژوهش ابتدا با مراجعه به مراکز مشاوره شهر تهران پیرامون هدف و فرآیند انجام تحقیق و مجوزهای کسب شده گفتگویی صورت پذیرفت و سپس با کسب رضایتمندی از مدیریت مراکز مشاوره، این امکان فراهم گردید که در خصوص اجرای پرسشنامه‌ها با والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره مصاحبه اولیه‌ای انجام پذیرد و سپس افرادی که شرایط و ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش و نیز تمایل به شرکت در انجام پژوهش را داشتند، با کسب رضایتمندی و بیان حفظ محرمانه بودن اطلاعات از آنان خواسته شد که در روز و زمان و ساعت مشخص شده توسط مراکز مشاوره بمنظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی بدلیل شرایط اپیدمی کرونا در مراکز مشاوره حضور پیدا کنند و با دقت به سئوالات پرسشنامه‌های مذکور پاسخ دهند. با توجه به اینکه احتمال افت آزمودنی‌ها به علت عدم همکاری با توجه به شرایط اپیدمی کرونا و یا مشغله کاری برخی از افراد پیش بینی می‌شد، بمنظور اینکه حجم نمونه ی مورد نظر با حجم نمونه واقعی تفاوت چندانی نداشته باشد، تعداد حجم نمونه بیش از حد مورد انتظار در نظر گرفته شدو در نهایت تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کامل در محیط نرم افزار SPSS و نرم افزار مدل یابی ۳.۸ smart pls مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های بدست آمده براساس بررسی ویژگی جمعیت شناختی والدین نشان داد که: از لحاظ دامنه سنی بیشترین ۴۳/۵۸ درصد زنان بین سنین ۴۰ تا ۴۵ سال و کمترین ۲۷/۶۵ درصد زنان در سنین بین ۳۵ تا ۴۰ سال بودند. همچنین بیشترین مردان از لحاظ سنی ۴۷/۶۳ درصد بین ۴۶ تا ۵۰ سال و کمترین ۳۲/۲۸ درصد مردان دارای سنین بین ۳۵ تا ۴۰ سال قرار داشتند؛ همچنین در خصوص مدت تأهل بیشترین ۴۵/۳۹ درصد همسران مدت تأهل شان بین ۲۰ تا ۲۵ سال و کمترین ۲۸/۸۲ درصد زوجین مدت تأهل شان زیر ۱۰ سال بود. از لحاظ میزان تحصیلات بیشترین درصد در زنان ۴۸/۶۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و کمترین ۱۹/۴۸ درصد دارای میزان تحصیلات دیپلم بودند. همچنین بیشترین ۴۹/۳۷ درصد از مردان دارای تحصیلات لیسانس و کمترین ۲۴/۷۵ درصد دارای تحصیلات دیپلم بودند. همچنین بیشترین ۶۳/۱۴ درصد همسران دارای دو فرزند و کمترین ۲۷/۳۲ درصد دارای یک فرزند بودند. از لحاظ نوع شغل ۳۲/۴۹ درصد زنان قراردادی و کمترین درصد ۲۵/۶۱ زنان خانه دار بودند. همچنین بیشترین درصد مردان از لحاظ نوع شغل ۴۵/۷۳ درصد دارای شغل آزاد و کمترین ۲۸/۶۵ درصد رسمی بودند.

جدول ۱

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کشیدگی	ضریب کجی
الگوهای ارتباطی	۳۷/۴۲	۱۹/۳۷	۱/۷۳۵	-۰/۱۸۶۶
روان نژندی	۳۴/۱۶	۱۵/۳۲	۱/۵۹۳	-۰/۷۹۶
برون گرایی	۲۹/۷۴	۱۲/۸۶	۱/۴۶۷	-۰/۷۵۲
تجربه پذیری	۳۱/۲۵	۱۴/۲۱	۱/۵۸۲	-۰/۷۷۶
توافق پذیری	۳۷/۷۹	۱۸/۶۷	۱/۸۴۹	-۰/۸۷۴
وظیفه شناسی	۳۶/۶۲	۱۷/۵۴	۱/۶۲۵	-۰/۸۴۲
نگرش‌های ناکارآمد	۳۵/۲۸	۱۶/۴۸	۱/۶۱۴	-۰/۸۲۳
تمایز یافتگی	۲۷/۸۶	۱۱/۶۹	۱/۴۳۸	-۰/۷۴۱



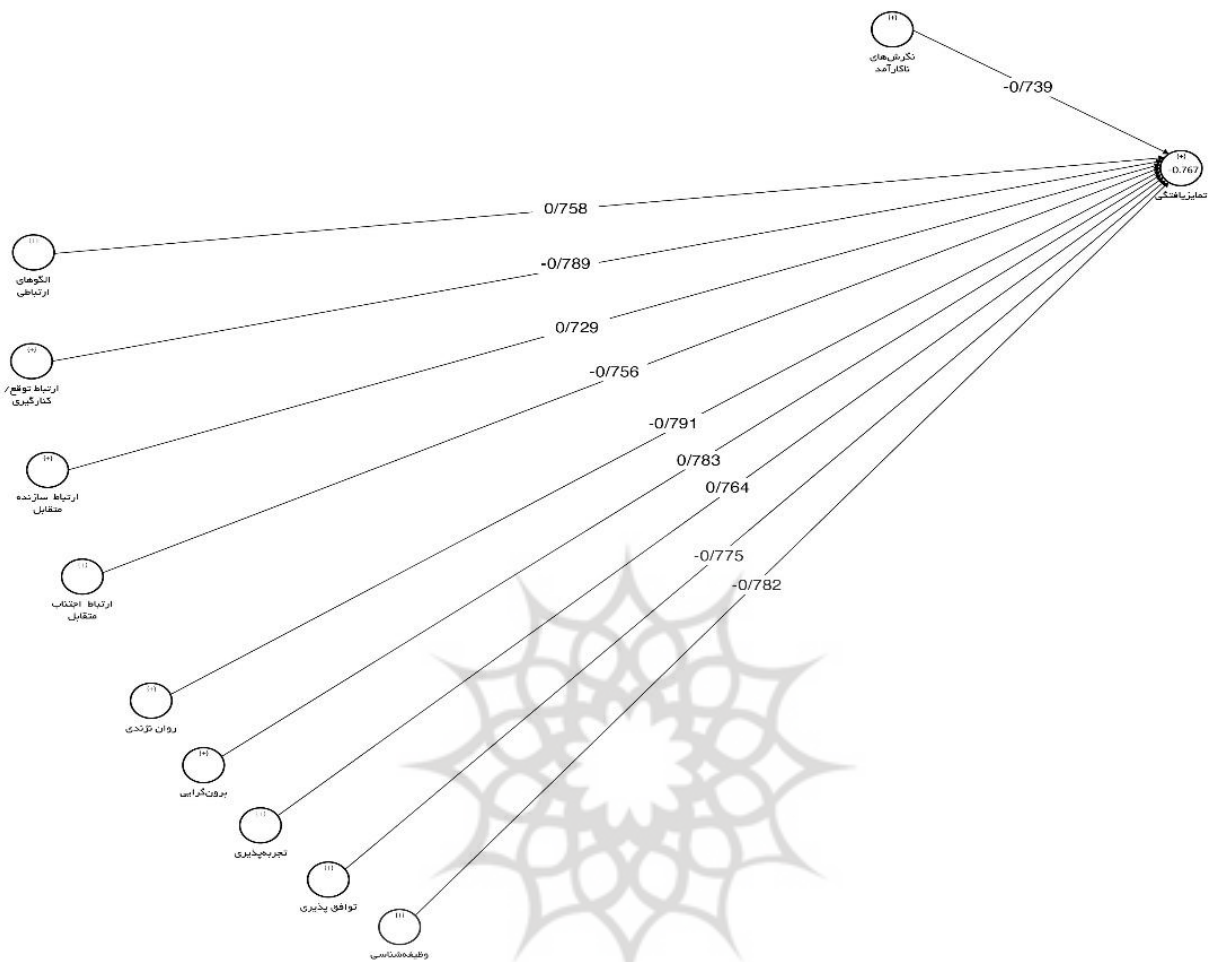
بر اساس میانگین و انحراف معیار بدست آمده نتایج در جدول ۱ نشان داده است که بیشترین میانگین در رابطه با الگوهای برقراری ارتباط (۳۷/۴۲)، ساختار شخصیت با توجه به مولفه‌های (روان نژندی ۳۴/۱۶، برون گرایی ۲۹/۷۴، تجربه پذیری ۳۱/۲۵، توافق پذیری ۳۷/۷۹ و وظیفه شناسی ۳۶/۶۲، نگرش‌های ناکارآمد (۳۵/۲۸) و کمترین میانگین مربوط به میزان تمایز یافتگی (۲۷/۸۶) بدست آمد. از آنجایی که میزان کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (۱ و -۱) و کشیدگی در دامنه (۲-۲) بود، می‌توان بیان داشت که توزیع فوق نرمال است. نتایج حاصل در جدول ۲ بررسی مفروضه استقلال خطاها را بیانگر می‌باشد. استفاده از آمار دوربین واتسون برای آزمایش وجود همبستگی سریالی در باقیمانده‌ها، که مستلزم آن است که باقیمانده‌ها یا خطاهای موجود در پیش بینی، الگویی از مورد به دیگری را به دنبال نداشته باشد. نظر به اینکه اگر مقدار خودهمبستگی نزدیک به ارزش ۲ (دامنه قابل پذیرش ۱/۵ تا ۲/۵) باشد، به معنی آن است که مفروضه استقلال خطاها رعایت شده است، بنابراین با توجه به مقدار بدست آمده $1/845 =$ (محدوده مورد قبول) نشان دهنده رعایت مفروضه استقلال خطاها است، در نتیجه مفروضه استقلال خطاها تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد. همچنین نتایج بدست آمده جهت بررسی مفروضه عدم همخطی چندگانه با استفاده از آزمون تولرانس و تورم واریانس انجام شد. آزمون تولرانس نشانگر درصدی از واریانس در متغیرهای برون‌زا است که در متغیرهای برون‌زا دیگر نیست یعنی میزان ارتباط بین متغیرهای برون‌زا را بیان می‌کند. تورم واریانس نیز نشانگر رابطه همزمان متغیرهای برون‌زا را بیان می‌کند. نظر به اینکه اگر مقدار ضریب تولرانس به صفر نزدیک شود، به معنی آن است که تولرانس زیادی بین متغیرها وجود دارد، بنابراین با توجه به نتایج فوق که نشان دهنده مقادیر بزرگتر از صفر است، عدم وجود تولرانس را نشان می‌دهد. همچنین نظر به اینکه اگر مقدار ضریب تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ شود، به معنی آن است که تورم واریانس بین متغیرها وجود دارد. با توجه به نتایج فوق که نشان دهنده مقادیر کمتر از ۱۰ است، در نتیجه عدم تورم واریانس وجود دارد. بنابراین مفروضه عدم همخطی چندگانه تأیید می‌شود و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

نتایج شکل ۱ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۱

مدل اندازه‌گیری در حالت در حالت تخمین ضرایب استاندارد بدون حضور میانجی

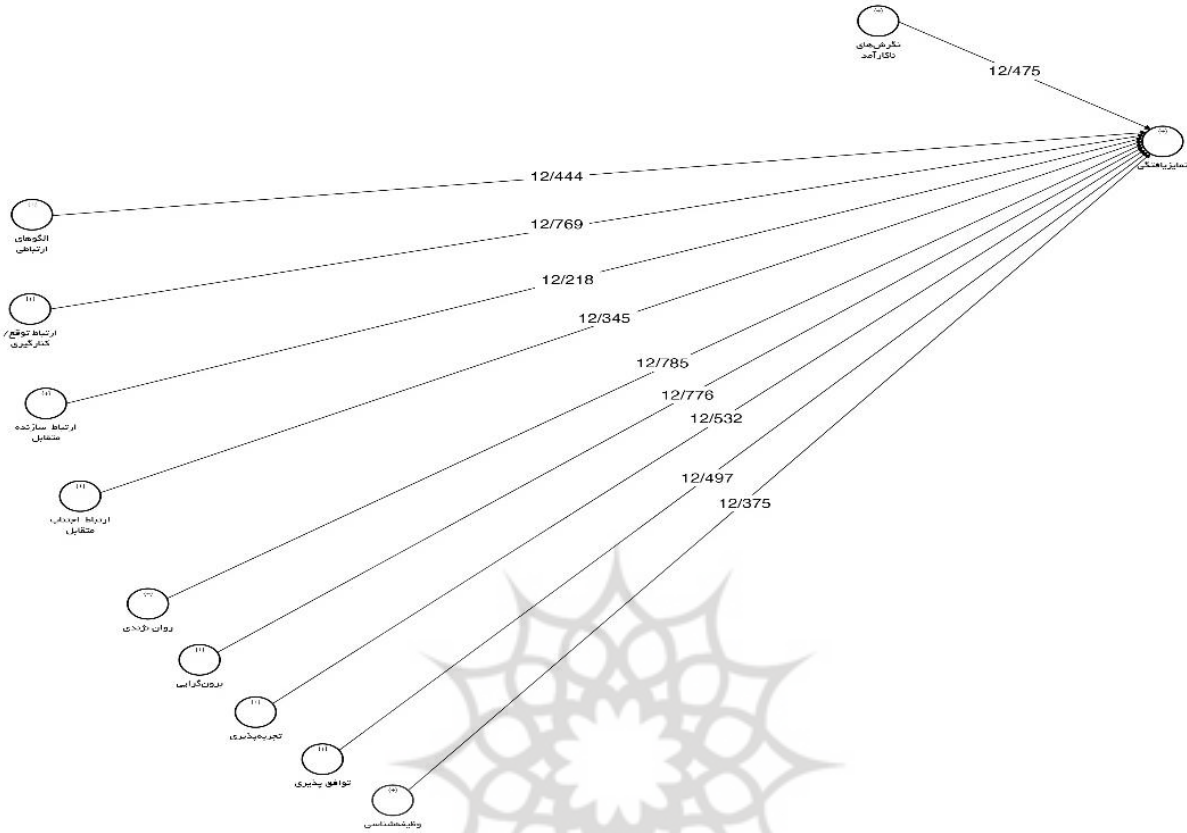


نتایج شکل ۲ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه ۱/۹۶- و ۱/۹۶ است فرض صفر رد و سوال پژوهش تأیید می‌شود.



شکل ۲

مدل اندازه گیری در حالت معناداری ضرایب بدون حضور میانجی

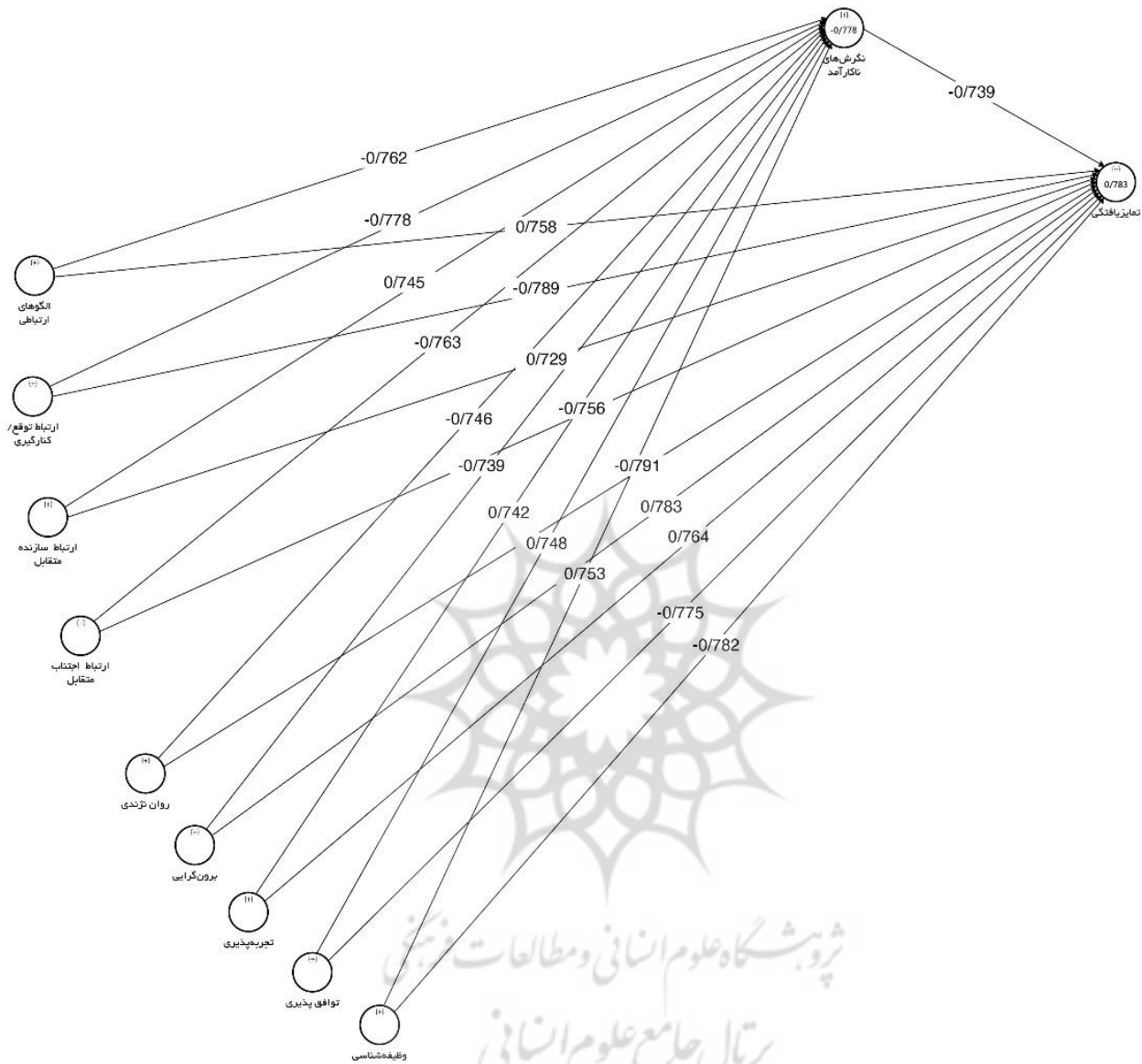


همچنین نتایج شکل ۳ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد که بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شکل ۳

مدل ساختاری در حالت در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی

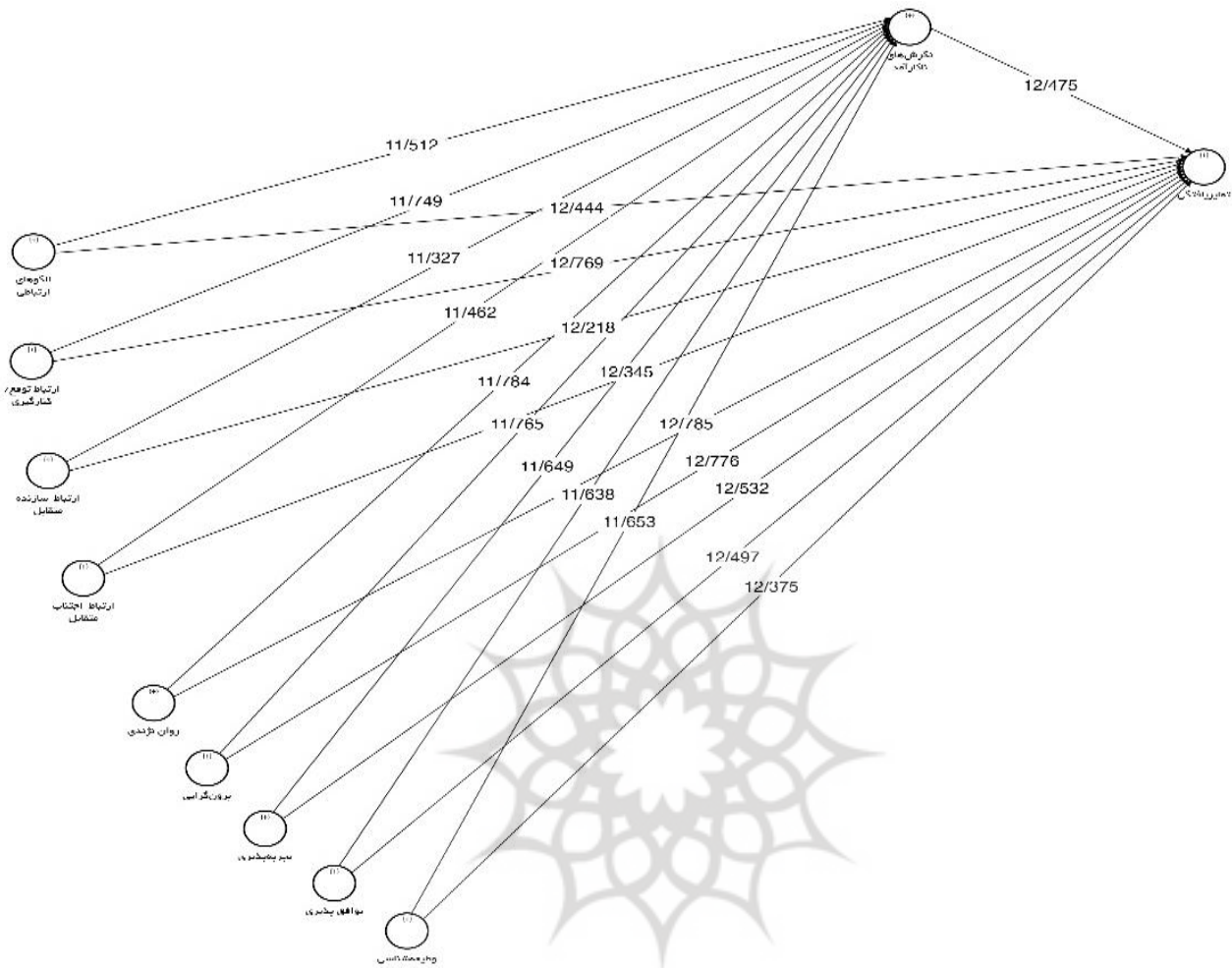


همچنین نتایج شکل ۴ نشان می‌دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه ۱/۹۶- و ۱/۹۶ است فرض صفر رد و سوال پژوهش تأیید می‌شود.



شکل ۴

مدل ساختاری در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی



آزمون‌های پایایی مدل اندازه‌گیری در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲

نتایج آزمون پایایی ارائه مدل تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد ($n=350$)

متغیرها	آلفای کرونباخ	همبستگی اسپیرمن	پایایی ترکیبی دل‌بین گلدشتاین (CR)	پایایی اشتراک (AVE)	CR > AVE
ارتباط توقع/کناره‌گیر	۰/۸۴۳	۰/۸۴۱	۰/۸۴۵	۰/۷۷۴	تأیید
ارتباط سازنده متقابل	۰/۷۸۲	۰/۸۰۶	۰/۸۱۰	۰/۷۱۳	تأیید
ارتباط اجتناب متقابل	۰/۸۳۶	۰/۸۳۷	۰/۸۳۹	۰/۷۵۲	تأیید
الگوهای برقراری ارتباط	۰/۸۲۰	۰/۸۲۸	۰/۸۳۱	۰/۷۴۶	تأیید
روان‌نژندی	۰/۸۴۵	۰/۸۷۹	۰/۸۷۲	۰/۷۸۵	تأیید
برون‌گرایی	۰/۷۹۶	۰/۸۶۳	۰/۸۱۴	۰/۷۱۳	تأیید



تأیید	۰/۷۶۹	۰/۸۲۶	۰/۸۴۶	۰/۸۱۷	تجربه پذیری
تأیید	۰/۷۴۳	۰/۸۵۷	۰/۸۵۷	۰/۸۵۴	توافق پذیری
تأیید	۰/۷۶۴	۰/۸۴۹	۰/۸۳۵	۰/۸۳۹	وظیفه شناسی
تأیید	۰/۷۴۱	۰/۸۳۲	۰/۸۲۳	۰/۸۲۵	نگرش‌های ناکارآمد
تأیید	۰/۷۲۵	۰/۸۳۴	۰/۷۹۴	۰/۸۵۶	واکنش پذیری هیجانی
تأیید	۰/۷۱۳	۰/۸۰۶	۰/۷۵۲	۰/۸۱۳	جایگاه من
تأیید	۰/۷۴۳	۰/۸۲۶	۰/۷۸۴	۰/۸۴۷	گسلش عاطفی
تأیید	۰/۷۶۲	۰/۸۴۷	۰/۷۹۶	۰/۸۳۵	هم آمیختگی با دیگران
تأیید	۰/۷۳۵	۰/۸۲۸	۰/۷۸۱	۰/۸۳۷	تمایز یافتگی

نتایج جدول ۲ نشان داد پایایی مدل بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در هریک از متغیرها بالای ۰/۷ است. بنابراین پایایی توسط آلفای کرونباخ تایید می‌شود. همچنین نتایج آزمون پایایی ترکیبی (دلون گلدشتاین) و شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که ρ_a و CR هر یک از متغیرها نیز بالای ۰/۷ می‌باشد. از طرفی آزمون پایایی اشتراکی که در بر گیرنده این مفهوم است که هر سوال در حقیقت شاخص اشتراکی یا سهمی است که آن سوال از متغیر خود سنجش می‌کند. مطابق با عرف علمی، میانگین این شاخص در خصوص متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۵ می‌باشد. بنابراین بر اساس چهار آزمون پایایی، مدل مورد تایید قرار می‌گیرد و می‌توان ادعا نمود که نتایج پژوهش به نمونه‌های دیگری از همان جامعه قابل تعمیم است. بمنظور بررسی روایی سازه مدل انعکاسی روایی همگرا و روایی واگرا از دو آزمون میانگین واریانس استخراجی و مقایسه آزمون پایایی ترکیبی CR با میانگین واریانس استخراجی که در برگیرنده همان پایایی اشتراکی AVE می‌باشد، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داده است که کلیه متغیرها دارای CR بزرگتر از AVE می‌باشد، بنابراین هر دو شرط روایی همگرا بر قرار است و می‌توان ادعا نمود مدل دارای همگرایی می‌باشد و نیز کلیه شاخص‌های AVE بالاتر از ۰/۵ است بنابراین شرط اول روایی همگرا بودن نیز برقرار است. همچنین بر اساس سه آزمون بارهای عرضی، فورنر لارکر (۱۹۸۱) و HTMT روایی واگرا در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است و با تأیید روایی همگرا می‌توان ادعا کرد که الگوی تدوین شده از روایی سازه برخوردار است. به منظور بررسی کیفیت جایگزین برازش در معادلات ساختاری کوواریانس محوره، از شاخص اشتراکی روایی متقاطع استفاده شد، براین اساس نتایج نشان داد مقادیر الگو شاخص کیفیت اندازه‌گیری (CVCOM) بالاتر از ۰/۱۵ می‌باشد که این امر بیانگر آن است که الگوی اندازه‌گیری از کیفیت برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۳

معناداری فرضیات و شدت و جهت تأثیر آن‌ها بر اساس مسیر مستقیم و غیرمستقیم

مسیر مستقیم و غیر مستقیم	ضرایب معناداری	ضرایب استاندارد	P Val ues	نتیجه
ارتباط توقع/کناره گیر -> تمایز یافتگی	۱۲/۷۶۹	-۰/۷۸۹	۰/۰۰۰	معنادار
ارتباط سازنده متقابل -> تمایز یافتگی	۱۲/۲۱۸	۰/۷۲۹	۰/۰۰۰	معنادار
ارتباط اجتناب متقابل -> تمایز یافتگی	۱۲/۳۴۵	-۰/۷۵۶	۰/۰۰۰	معنادار
الگوهای برقراری ارتباط -> تمایز یافتگی	۱۲/۴۴۴	۰/۷۵۸	۰/۰۰۰	معنادار
روان نژندی -> تمایز یافتگی	۱۲/۷۸۵	-۰/۷۹۱	۰/۰۰۰	معنادار
برون گرایی -> تمایز یافتگی	۱۲/۷۷۶	۰/۷۸۳	۰/۰۰۰	معنادار



معنادار	۰/۰۰۰	۰/۷۶۴	۱۲/۵۳۲	تجربه پذیری -> تمایز یافتگی
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۷۵	۱۲/۴۹۷	توافق پذیری -> تمایز یافتگی
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۸۲	۱۲/۳۷۵	وظیفه شناسی -> تمایز یافتگی
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۷۸	۱۱/۷۴۹	ارتباط توقع/کناره گیر -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	۰/۷۴۵	۱۱/۳۲۷	ارتباط سازنده متقابل -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۶۳	۱۱/۴۶۲	ارتباط اجتناب متقابل -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۶۲	۱۱/۵۱۲	الگوهای برقراری ارتباط -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۶	۱۱/۷۸۴	روان نژندی -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۹	۱۱/۷۶۵	برون گرایی -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	۰/۷۴۲	۱۱/۶۴۹	تجربه پذیری -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	۱۱/۶۳۸	توافق پذیری -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	۰/۷۵۳	۱۱/۶۵۳	وظیفه شناسی -> نگرش‌های ناکارآمد
معنادار	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۹	۱۲/۴۷۵	نگرش‌های ناکارآمد -> تمایز یافتگی

نتایج جدول ۳ در خصوص بررسی سوال پژوهش مبنی بر اینکه آیا بر اساس الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد

می‌توان تمایز یافتگی فرزندان را پیش‌بینی کرد؟

بررسی معناداری مسیرهای مستقیم نتایج نشان داده است که الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد با تمایز یافتگی با توجه به سطح معناداری ۰/۰۱ و نیز مقدار ضرایب معناداری آماره t که خارج از بازه $-۲/۵۸$ و $۲/۵۸$ است در سطح اطمینان ۰/۹۹ فرض صفر را رد و فرض پژوهش را که خبر از وجود رابطه معنادار الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد با تمایز یافتگی می‌باشد را تأیید می‌کند. همچنین بررسی مسیر غیرمستقیم در رابطه پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس بر اساس الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت با میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان داد که در مسیر غیرمستقیم بین مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی، ساختار شخصیت و میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد با تمایز یافتگی بر اساس مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه معنادار است. بر اساس فرمول بارون و کنی (۲۰۱۰) در خصوص اندازه نقش میانجی VAF یا شمول واریانس نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی (۰/۴۲۶) و مؤلفه‌های (ارتباط توقع/کناره گیر (۰/۴۲۱)، ارتباط سازنده متقابل (۰/۴۳۰)، ارتباط اجتناب متقابل (۰/۴۲۷)) با نقش میانجی‌گری جزئی نگرش‌های ناکارآمد در پیش‌بینی تمایز یافتگی رابطه دارد. همچنین نقش میانجی VAF یا شمول واریانس نتایج نشان داد که مؤلفه‌های ساختار شخصیت (روان نژندی (۰/۴۱۰)، برون گرایی (۰/۴۱۱)، تجربه پذیری (۰/۴۱۷)، توافق پذیری (۰/۴۱۶) و وظیفه شناسی (۰/۴۱۵)) با نقش میانجی‌گری جزئی نگرش‌های ناکارآمد در پیش‌بینی تمایز یافتگی رابطه دارد. بر همین اساس نتایج به دست آمده نشان داد که الگوی اندازه‌گیری با الگوی ساختاری در ارائه مدل پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد از کیفیت نسبتاً مناسب و مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش انجام شده با هدف ارائه مدل پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی (الگوی ارتباط سازنده، الگوی کناره‌گیری-توقع و الگوی اجتناب متقابل) و ساختار شخصیت (روان نژندی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری و وظیفه شناسی) با میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شد. برآیند پژوهش نشان داد: با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای ارزیابی چگونگی برآزش مدل ساختاری بر اساس داده‌های گردآوری شده با مدل نظری مطابقت داشته و از برآزش



مطلوبی برخوردار بود. نتایج یافته‌های بدست آمده هم راستا با پژوهش‌های پیشین بسیاری (Aryaee Azar et al., 2021; Buser et al., 2019; Cepukiene, 2021; Falehkar et al., 2020; Heavey et al., 1996; Khosravi et al., 2021; Kim & Jung, 2015; Lampis et al., 2017; Mam Salehi et al., 2020; McGinn et al., 2009; Momeni et al., 2015; Mousazadeh & Haji Alizadeh, 2017; Rashidi et al., 2016; Sabzi & Sheikholeslami, 2016; Sharifi et al., 2020; Skowron & Dendy, 2004; Skowron & Friedlander, 1998; Sloan et al., 2017) بود.

اهمیت کیفیت الگوهای ارتباطی اعضای خانواده، به عنوان اساسی ترین نهاد اجتماعی و تعیین کننده تمایز یافتگی فرزندان، بیش از پیش مورد تأکید است. در تبیین یافته می‌توان این گونه بیان داشت که بسیاری از عملکردها و اقدامات والدین بر مبنای نوع اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و طرز تفکرات، یاورها در قالب الگوهای خانوادگی براساس شیوه تمایز یافتگی آموخته شده و مورد آموزش به فرزندان درونی شده است، بسیاری از این عوامل موثر در شکل گیری تمایز یافتگی افراد ناشی از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب در درون خانواده نشأت می‌گیرد (Mousazadeh & Haji Alizadeh, 2017; Rashidi et al., 2016; Sabzi & Sheikholeslami, 2016). در هر جامعه‌ای سلامت فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، تامین بهداشت روانی آنان کمک می‌کند تا در آینده نقش اجتماعی خود را بهتر ایفا سازند. اکثر مطالعات گذشته نگر و آینده نگر بیانگر این واقعیت است که مشکلات بزرگسالی در دوران کودکی و نوجوانی شروع می‌شوند. دوران کودکی و نوجوانی از نظر بسیاری از متخصصین رشد زمان حساس شکل گیری شخصیت در نظر گرفته می‌شود و معتقدند که حتی اساس و بنیاد بسیاری از تصمیم گیری‌های بزرگسالی را می‌توان در دوران کودکی و نوجوانی یافت. بنابراین با توجه به حساسیت این دوره از رشد و همچنین شیوع بالا عدم تمایز یافتگی فرزندان در این دوره به نوع الگوهای ارتباطی والدین با یکدیگر و نیز با فرزندان در امر تربیت از اهمیت بسزایی برخوردار است (Aryaee Azar et al., 2021; Mam Salehi et al., 2020). ارتباط در روابط همسران دامنه گسترده‌ای از رفتارها و الگوهای رفتاری را در برمی‌گیرد. رفتارهای ارتباطی همسران را می‌توان به دو نوع اصلی طبقه بندی کرد: رفتارهای مثبت و رفتارهای منفی (McGinn et al., 2009; Olderbak & Figueredo, 2009; Pop & Rusu, 2019; Rashidi et al., 2016). الگوی ارتباط سازنده متقابل برای مجموعه‌ای از رفتارهای مثبت در نظر گرفته می‌شود که به منظور ارتقای روش مشارکتی برای حل مسئله و برقراری اعتماد و درک متقابل استفاده می‌شود (Falconier, 2001; Fincham & Beach, 2002; Lee et al., 2015). الگوی ارتباط سازنده متقابل در ارتباطات زوجین نوعی الگوی ارتباطی است که در آن زن و شوهر سعی می‌کنند در مورد مشکل و مسئله‌ای که در حین ارتباط برای آنان به وجود می‌آید بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند و برای مشکلات خود راه حل پیشنهاد نمایند. زمانی که زوجین این الگو را در روابط خود به کار می‌برند هر دو احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند و از زندگی زناشویی خود احساس رضایت می‌کنند (Mam Salehi et al., 2020). از دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر رابطه و رضایت جنسی افراد، تمایز یافتگی خود است که یکی از مفاهیم کلیدی نظریه نظام‌های خانواده درمانی بوئن است و عبارت از توانایی فرد در تعریف خود است. بوئن به عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی هیجانی، صمیمیت و خودمختاری در روابط خویش تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند که سطح تمایز یافتگی خود می‌تواند در تمام روابط بین زوجین به ویژه ساختار شخصیت آن‌ها تأثیرگذار است (Lampis et al., 2017; Mam Salehi et al., 2020). مفهوم تمایز یافتگی خود در نظریه نظام‌ها تحت عنوان هم آمیختگی تمایز یافتگی تعریف شده که هر دو اصطلاح مؤید این مطلب است که بلوغ و تحقق فرد، نیازمند آن است که او از وابستگی‌های عاطفی حل نشده خانواده اصلی خودرهایی یابد (Falehkar et al., 2020; Khosravi et al., 2021). مکینتاش و همکاران (۲۰۱۸) معتقد است تمایز یافتگی، خود یک ویژگی شخصیتی است که در سطوح مختلف درون‌روانی و برون‌روانی نمایان می‌شود. از نظر او تمایز یافتگی در سطح درون‌روانی به عنوان فرایندی است که در درون فرد رخ می‌دهد و شامل مؤلفه‌های جایگاه من و واکنش‌پذیری عاطفی است و تمایز یافتگی در سطح برون‌روانی نیز به عنوان فرایندی است که در روابط بین افراد به وقوع می‌پیوندد و شامل مؤلفه‌های هم‌آمیختگی و گسلس عاطفی است. مؤلفه جایگاه من به



معنای داشتن حس روشنی از خود و استقلال در افکار و باورهاست و واکنش‌پذیری عاطفی به غلبه بر احساس‌های فرد بر عقل و منطقش و پاسخگویی بر پایه هیجان‌ها اشاره دارد. اما در سطح بین‌فردی، هم‌آمیختگی با دیگران اشاره به از دست دادن استقلال خود و انحلال و هم‌آمیختگی در طی روابط صمیمانه با دیگران، به‌خصوص افراد مهم زندگی دارد (Mackintosh et al., 2018). بدین‌گونه با افزایش نمرات افراد در رابطه الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت به‌مراتب موجب افزایش نمرات تمایز یافتگی و کاهش نگرش‌های ناکارآمد منفی می‌شود. طبق نظر بوئن سطح تمایز یافتگی فرزندان از همان ابتدا از خانواده اصلی رشد می‌کند و به‌شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خانواده قرار دارد و در زندگی آینده فرزندان تأثیر جدی می‌گذارد. متأسفانه بسیاری از فرزندان به دلیل امتزاج شدیدی که با خانواده مبدأ خود دارند، این مجال و اجازه را به آن‌ها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی دیگر افراد می‌توانند در زندگی آن‌ها دخالت کنند؛ به طوری که هرچه امتزاج فرد با خانواده مبدأ بیشتر باشد احتمال وجود اضطراب، بی‌ثباتی، ناسازگاری و تعارضات بین فرزندان با والدین در اکثر ابعاد زندگی به‌ویژه در زمینه رابطه الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت والدین با نگرش‌های ناکارآمد بیشتر بر آنان تأثیرگذار است (Lampis et al., 2017; Mam Salehi et al., 2020; Momeni et al., 2015; Rashidi et al., 2016; Sharifi et al., 2020). تمایز یافتگی تا حد زیادی به نوع الگوهای ارتباطی فرد با اعضای خانواده اصلی مربوط می‌شود که این الگوها بر اساس رمزگردانی و رمزگشایی پیام‌هایی که بین افراد خانواده رد و بدل می‌شود شکل گرفته و در نحوه به‌کارگیری داده‌ها در تعاملات آینده فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین مفهوم که این الگوها و مهارت‌های ارتباطی در رابطه با اکثر امورات زندگی، همچنین در بهبود فضای روانی خانواده و به‌ویژه در زمینه فعالیت دیگر می‌تواند تأثیرگذار و کارآمد باشد (Rashidi et al., 2016; Sharifi et al., 2020). به عبارت دیگری، الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت والدین با نگرش‌های ناکارآمد پیش‌بینی‌کننده بسیار در تمایز یافتگی فرزندان است و در مقابل الگوهای ارتباطی نامؤثر از جمله اجتناب و کناره‌گیری بین فرزندان سطح عملکرد آن‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان در یک بررسی اجمالی و کلی بدین‌گونه تبیین داشت که خانواده‌های ناکارآمد به دلیل نقص در الگوهای ارتباطی در تعاملات درونی با فرزندان و با توجه به نوع ساختار شخصیت والدین و نگرش‌های ناکارآمد موجبات عملکرد نامناسب در فرزندان را با مشکلاتی جدی فراهم می‌آورد، از جمله این مشکلات می‌تواند بر اساس وجود گفت و شنود محدود بین اعضاء خانواده با یکدیگر باشد که در نتیجه می‌تواند بر رابطه بر عدم تمایز یافتگی فرزندان در حیطه‌های مختلف از جمله (واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران) تأثیر منفی ایجاد سازد، در مقابل در خانواده‌های سالم کفایت الگوهای ارتباطی متنوع و مؤثر و ساختار شخصیت سالم این امکان را مهیا می‌کند تا زمینه و شرایط مطلوبی برای تأمین و اجابت احساس‌ها و نیازهای فرزندان و دیگر اعضاء خانواده بدرستی فراهم شود و موجبات تسهیل ابراز خود، افکار و احساسات و در نتیجه منجر به بهبود و ارتقای سطح تمایز یافتگی فرزندان را به وجود آورد. با توجه به اینکه همه انسان‌ها گاهی در زندگی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شوند. در جریان این دشواری‌ها در اختیار داشتن منابع مهارت‌هایی که به انسان‌ها کمک می‌کنند تا به بهترین شکل ممکن از حل مشکلات خود برآیند، تسلی بخش است. کارآمدی فرد در مسائل فردی و اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای توسط تجربه‌های هیجانی و نحوه مواجهه و انطباق با رویدادها تعیین می‌شود، به طور کلی توانایی‌های هیجانی رفتار و پیامدهای زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد در زندگی اجتماعی انسان میان احساس و تفکر، همبستگی بنیادی وجود دارد. عاطفه می‌تواند فرایند تفکر و محتوای فکر، قضاوت و رفتار را تحت تأثیر قرار دهد.

در تعمیم یافته‌های این پژوهش باید متذکر شد که داده‌های این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص به دست آمده است و جامعه مورد پژوهش و نیز حجم نمونه یکی از محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین، برای سنجش متغیرها روش خودسنجی به کار گرفته شد و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر استفاده گردید. علاوه بر این، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ممکن است تحت تأثیر متغیرهای شناختی، راهبردهای مقابله‌ای، باورهای مذهبی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع ساختار خانواده و مواردی از این دست را شامل



گردد که از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، از آنجا که الگوهای ارتباطی و نوع ساختار شخصیت والدین با طرز نگرش‌های ناکارآمد والدین بر عدم تمایز یافتگی فرزندان اثرگذار است. با توجه به نقش پیش‌بینی‌کنندگی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس الگوهای ارتباطی و ساختار شخصیت با میانجی‌گری نگرش‌های ناکارآمد والدین، پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش ایجاد بسترهای ارتباطی مناسب در زمینه کمک در جهت بهبود الگوهای ارتباطی والدین با توجه به نوع ساختار شخصیت هر کدام از آن‌ها امکانات مناسب جهت آموزش‌هایی لازم در خصوص ارائه اصلاح نگرش‌های ناکارآمد و مهارت‌هایی در خصوص ارتقاء سطح تمایز یافتگی فرزندان بمنظور بهبود سلامت روان اعضاء خانواده در تعامل با یکدیگر ارائه شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

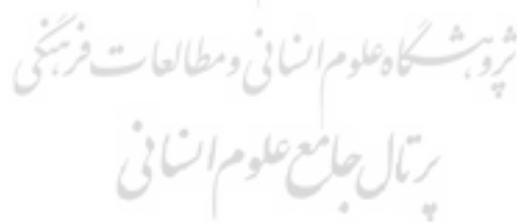
در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی‌رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.



References

- Aryaee Azar, A., Sadeghi, M. S., & Moutabi, F. (2021). The Differentiation of Couples from the Original Family and Its Role in Predicting the Communication Patterns and Marital Satisfaction in Different Ethnic Groups in Iran. *Journal of Family Research, 17*(3), 353-368. <https://doi.org/10.52547/jfr.17.3.353>
- Bowen, C. (2007). Family therapy and neuro-rehabilitation: Forging a link. *International Journal of Therapy and Rehabilitation, 14*(8), 344-349. <https://www.magonlinelibrary.com/doi/abs/10.12968/ijtr.2007.14.8.24353>
- Bowen, M. (1993). *Family therapy in clinical practice*. Jason Aronson. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=lang_en&id=4g7PdF6oW6EC&oi=fnd&pg=PP1&dq=3.+Bowen,+M.+\(1978\).+Family+treatment+in+clinical+practice.+New+York:+Jason+Aronson.&ots=OPiB4Jgnuc&sig=gZpVFB-W1Kd5oE1mPkEPBPjF_U](https://books.google.com/books?hl=en&lr=lang_en&id=4g7PdF6oW6EC&oi=fnd&pg=PP1&dq=3.+Bowen,+M.+(1978).+Family+treatment+in+clinical+practice.+New+York:+Jason+Aronson.&ots=OPiB4Jgnuc&sig=gZpVFB-W1Kd5oE1mPkEPBPjF_U)
- Buser, T. J., Pertuit, T. L., & Muller, D. L. (2019). Nonsuicidal Self-Injury, Stress, and Self-Differentiation. *Adultspan Journal, 18*(1), 4-16. <https://doi.org/10.1002/adsp.12065>
- Cepukiene, V. (2021). Adults' Psychosocial Functioning Through the Lens of Bowen Theory: The Role of Interparental Relationship Quality, Attachment to Parents, Differentiation of Self, and Satisfaction with Couple Relationship. *Journal of Adult Development, 28*(1), 50-63. <https://doi.org/10.1007/s10804-020-09351-3>



- Damiano, S. R., Reece, J., Reid, S., Atkins, L., & Patton, G. (2015). Maladaptive schemas in adolescent females with anorexia nervosa and implications for treatment. *Eating behaviors*, 16, 64-71. <https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2014.10.016>
- Drummond, R. (1990). Eysenck personality inventory. *Business and industry testing: Current practices and test reviews*, 228-239. https://genepi.qimr.edu.au/contents/p/staff/1964_Eysenck_Manual.pdf
- Falconier, M. K. (2015). TOGETHER – A Couples’ Program to Improve Communication, Coping, and Financial Management Skills: Development and Initial Pilot-Testing. *Journal of marital and family therapy*, 41(2), 236-250. <https://doi.org/10.1111/jmft.12052>
- Falehkar, A., Bordan, Z., Kosha, M., Amani, O., & Moghadamfar, N. (2020). The Relationship Between Self-Differentiation and Early Maladaptive Schemas with Marital Satisfaction of Divorced Women. 14, 26-34. <https://doi.org/10.21859/ijnr-140604>
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2002). Forgiveness in Marriage: Implications for Psychological Aggression and Constructive Communication. *Personal Relationships*, 9(3), 239-251. <https://doi.org/10.1111/1475-6811.00016>
- Heavey, C. L., Larson, B. M., Zumtobel, D. C., & Christensen, A. (1996). The Communication Patterns Questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of Marriage and the Family*, 796-800. <https://www.jstor.org/stable/353737>
- Janbozorgi, F., Darbani, S. A., & Parsakia, K. (2020). The structural model of predicting family health based on communication patterns and self-efficacy with the mediating role of self-compassion in women. *Psychology of Woman Journal*, 1(3), 66-80. <http://psychowoman.ir/article-1-22-en.html>
- Jonason, P. K., & Sherman, R. A. (2020). Personality and the perception of situations: The Big Five and Dark Triad traits. *Personality and individual differences*, 163, 110081. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110081>
- Khosravi, J., Moradi, O., Ahmadian, H., & Yoosefi, N. (2021). The Causal Model of Emotional Divorce Trend Based on Self-Differentiation through Marital Affliction Mediation. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 12(46), 159-172. <https://doi.org/10.30495/jzv.2021.24337.3168>
- Kim, H.-S., & Jung, Y.-M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*. <https://ischolar.sscll.in/index.php/indjst/article/view/138503>
- Lampis, J., Cataudella, S., Busonera, A., & Skowron, E. A. (2017). The Role of Differentiation of Self and Dyadic Adjustment in Predicting Codependency. *Contemporary Family Therapy*, 39(1), 62-72. <https://doi.org/10.1007/s10591-017-9403-4>
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2020). HEXACO Model of Personality Structure, The. In V. Zeigler-Hill & T. K. Shackelford (Eds.), *Encyclopedia of Personality and Individual Differences* (pp. 1932-1936). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1227
- Lee, T. Y., Sun, G. H., & Chao, S. C. (2001). The effect of an infertility diagnosis on the distress, marital and sexual satisfaction between husbands and wives in Taiwan. *Human Reproduction*, 16(8), 1762-1767. <https://doi.org/10.1093/humrep/16.8.1762>
- Mackintosh, K., Power, K., Schwannauer, M., & Chan, S. W. Y. (2018). The Relationships Between Self-Compassion, Attachment and Interpersonal Problems in Clinical Patients with Mixed Anxiety and Depression and Emotional Distress. *Mindfulness*, 9(3), 961-971. <https://doi.org/10.1007/s12671-017-0835-6>
- Mam Salehi, H., Moradi, O., Arefi, M., & Yar-Ahmadi, Y. (2020). Mediating Role of Communication Patterns in Relationship Between Self-differentiation and Sexual Satisfaction. *ijpcp*, 26(2), 154-169. <https://doi.org/10.32598/ijpcp.26.2.3099.1>
- Marchal, J. P., Maurice-Stam, H., van Trotsenburg, A. S. P., & Grootenhuis, M. A. (2016). Mothers and fathers of young Dutch adolescents with Down syndrome: Health related quality of life and family functioning. *Research in Developmental Disabilities*, 59, 359-369. <https://www.semanticscholar.org/paper/Mothers-and-fathers-of-young-Dutch-adolescents-with-Marchal-Maurice%20Stam/f1b226658cf37f0a6cc7420ce54bb6131e7c615e>
- McGinn, M. M., McFarland, P. T., & Christensen, A. (2009). Antecedents and consequences of demand/withdraw. *Journal of Family Psychology*, 23(5), 749-757. <https://doi.org/10.1037/a0016185>
- Mitchell, J. H., Broeren, S., Newall, C., & Hudson, J. L. (2013). An experimental manipulation of maternal perfectionistic anxious rearing behaviors with anxious and non-anxious children. *Journal of Experimental Child Psychology*, 116(1), 1-18. <https://doi.org/10.1016/j.jecp.2012.12.006>
- Momeni, K., Kavooosi Omid, S., & Amani, R. (2015). Predicting marital commitment on the basis of differentiation of self, family adaptability and cohesion, and marital intimacy [Research]. *Family Pathology*, 1(2), 46-58. <http://fpcej.ir/article-1-98-en.html>
- Mosadegh, H., Darbani, S. A., & Parsakia, K. (2023). The mediating role of sexual satisfaction in the relationship between personality traits and emotional divorce in men. *Journal of Applied Family Therapy*, 4(4), 191-202. https://www.aftj.ir/article_184086.html?lang=en
- Mousazadeh, O., & Haji Alizadeh, K. (2017). Prediction of Depression Based on Dysfunctional Attitudes, Personality Traits, and Family Communication Patterns among Patients with Epilepsy. *The-Neuroscience-Journal-of-Shefaye-Khatam*, 5(4), 47-56. <https://doi.org/10.18869/acadpub.shefa.5.4.47>



- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2024). Influences of Family Structure and Intimacy on Emotional Divorce: A Cross-Sectional Analysis. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(1), 23-30. <https://journals.kmanpub.com/index.php/jprfc/article/view/2193>
- Olderbak, S., & Figueredo, A. J. (2009). Predicting romantic relationship satisfaction from life history strategy. *Personality and individual differences*, 46(5), 604-610. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0191886908004789>
- Parsakia, K., Farzad, V., & Rostami, M. (2023). The mediating role of attachment styles in the relationship between marital intimacy and self-differentiation in couples. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(1), 589-607. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.4.1.29>
- Pop, M. V., & Rusu, A. S. (2019). Couple Relationship and Parent-Child Relationship Quality: Factors Relevant to Parent-Child Communication on Sexuality in Romania. *Journal of clinical medicine*, 8(3), 386. <https://www.mdpi.com/2077-0383/8/3/386>
- Rashidi, A., Sharifi, K., & Naghshineh, T. (2016). The relationship between Family Communication Patterns and self-differentiation with quality of life of Women divorce applicant in Kermanshah. *fpcej*, 2(1), 66-78. <http://fpcej.ir/article-1-119-en.html>
- Sabzi, N., & Sheikholeslami, R. (2016). The Mediating Role of Emotional Maturity in the Relationship between Family Communication Patterns and Empathy. *Developmental Psychology*, 12(46), 141-153. <https://www.magiran.com/paper/1499038>
- Safaei Rad, I., Gholamali Lavasani, M., & Afrooz, G. (2019). Investigating the Structural Pattern of Relationship between Personality Characteristics and Creativity by Mediating Role of Marital Satisfaction, Social Adjustment, and Mental Health. *childmh*, 6(1), 223-238. <https://doi.org/10.29252/jcmh.6.1.19>
- Sarkhabi Abdolmaleki, M., Dokaneifard, F., & Behbodi, M. (2022). Predicting Emotional Divorce Based on Attachment Styles and Metacognitive Beliefs in Women: The Mediating Role of Marital Burnout. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(3), 536-562. https://www.aftj.ir/article_137164.html?lang=en
- Sharifi, M., ASGHARI, E. M. J., & Salayani, F. (2020). Investigating the role of self-differentiation in predicting communication patterns: The mediating role of psychological capitals. <https://www.sid.ir/paper/365081/en>
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of Self and Attachment in Adulthood: Relational Correlates of Effortful Control. *Contemporary Family Therapy*, 26(3), 337-357. <https://doi.org/10.1023/B:COFT.0000037919.63750.9d>
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235-246. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235>
- Sloan, D., Buckham, R., & Lee, Y. (2017). Exploring differentiation of self and organizational commitment. *Journal of managerial psychology*, 32(2), 193-206. <https://doi.org/10.1108/JMP-07-2016-0209>
- Watson, D., & Clark, L. A. (2020). Personality traits as an organizing framework for personality pathology. *Personality and Mental Health*, 14(1), 51-75. <https://doi.org/10.1002/pmh.1458>
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J.-M., & Wang, Y.-C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and individual differences*, 154, 109689. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی